



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۸/۱۰

طارق ارسلانی

جنگ میوند: علل و پیامد های آن

بخش سوم

لشکر کشی انگلیس به افغانستان،

با به سر رسیدن ضرب العجل موعود، عملیات نظامی "اهانت به ملکه" آغاز و قطعات نظامی قوای انگلیس شروع به سوقیات بطرف سرحدات افغانستان نمودند. دسته اول قوای انگلیس Peshawar Valley Field Force مرکب از ۳۲۵ افسر و ۱۵۸۵۴ افراد و ۴۸ توپ به قومندانی دگر جنرال "سمونل برون" Samuel Brown صبح وقت ۲۱ نوامبر از پشاور حرکت و از طریق دره خیبر به قرارگاه افغانی در علی مسجد رسید. مدافین افغانی در علی مسجد مرکب از ۳۸۰۰ نفر و ۲۱ (و یا هم ۲۴) توپ بود که قومندانی قوا را "فیض محمد خان" و قومندانی توپچی را "جان محمد خان وردک" (از رهبران جنگ دوم افغان و انگلیس) به عهده داشتند. قوای افغانی در موقعیت سنتراتیویک بهتر قرار داشت و قوای توپچی در ارتفاعات مشرف به دره خیبر تعبیه گردیده بود. بساعت ده صبح اولین تبادلۀ آتش با قوای سواره ترصد افغان صورت گرفت. متعاقباً قوای توپچی دوطرف شروع به آتشباری نمودند. قوای توپچی افغانی بشدت مواضع انگلیسها را کوبیدن گرفت و بعد از دو ساعت جنگ قوای انگلیس را مجبور به عقب نشینی نمود. جنرال "سمونل برون" توسط "هیلوگراف" تقاضای کمک از قوای ذخیره انگلیس (که در جمرد موقعیت داشت) نمود. حوالی عصر توپ غول پیکرچهل پاونده به مدد قوای انگلیس رسید. قوای انگلیس دو فیر توپ چهل پاونده بطرف قرارگاه علی مسجد نمود. غرش سهمگین توپ چهل پاونده فضای دره خیبر را فراگرفت و معنویات قوای افغانی را تحت تأثیر قرار داد. با فرارسیدن تاریکی شب قوای انگلیس بطرف مدخل دره خیبر عقب نشینی نموده و کمپ خود را بر پا نمودند. قوای انگلیس برای جنگ سخت روز بعدی آمادگی میگرفتند ولی صبح وقت روز بعد با کمال تعجب دیدند که قوای افغانی شب قبل مواضع خود را رها نموده و متباقی بسرعت بطرف دکه در حال عقب نشینی هستند. به اینترتیب قوای جنرال "برون" بعد از تصرف علی مسجد با مشقات زیاد و حملات پی در پی قبایل مهمند و شینوار که از اثر آن ۶۵۰۰۰ شتر و افراد زیادی را در طول راه از دست داد بطرف دکه و جلال آباد پیشروی نمود (۱).

لشکر دوم انگلیس تحت قوماندۀ تورن جنرال "فریدریک رابرتس" Fredrick Roberts (کوچکترین هر سه قوا) مشتمل بر ۱۱۶ افسر، ۶۵۰۰ افراد، و ۱۸ توپ از طریق "دره گرم" بصوب قرارگاه افغانی در "کوتل پیوار" (شتر گردن) حرکت نمود و در ۲۸ نوامبر با قوای افغانی مواجه گردید. قوای افغان در کوتل پیوار تحت قوماندۀ "کریم خان" مشتمل بر ۱۸۰۰ افراد و ۱۲ توپ بود که در ارتفاعات صعب العبور "کوتل پیوار" موضع گرفته بودند. قوای تقویتی افغان نیز در حال رسیدن به کوتل پیوار بود بترتیبی که قوای توپچی کوهی به علی خیل رسیده بود، قوای پیاده در حالت آماده باش در کوتل شترگردن آماده حرکت بود، و قوای توپچی اسپ و سواره نظام از عقب در حال حرکت بود (۲). تعداد مجموعی این قوه ها در کتاب Maiwand. بر علاوۀ عساکر منظم، تعداد زیاد اقوام منگل، وزیر، و مسید نیز دوشادوش قوای افغانی میجنگیدند (۳). در آغاز جنگ آثار شکست در قوای "رابرتس" پدیدار گردید. متأسفانه قوای افغانی نظم خود را حفظ نتوانست و قوای توپچی افغانی از هرجانب به آتشباری بی حاصل شروع نمود. در نتیجه قوای انگلیس توانست تا مواضع قوای افغانی را تشخیص نموده و تحت آتش دقیق توپخانه قرار

۱ . 92 p. by Edmond York, Maiwand - جنرال "برون" به علت همین ضایعات شدیداً مورد مواخذۀ قرار

گرفت و علتی که در دور بعدی عملیات جنگ دوم افغان و انگلیس اشتراک نداشت نیز همین بود

۲ . 86 p. The Road to Kabul - کتاب Maiwand تعداد قوای افغانی در کوتل پیوار را هفت فرقه منظم (جمعاً

هفت هزار افراد) و ۱۷ توپ ذکر نموده است

3 - Forty One Years In India by Gen. Roberts; p 355-360

دهد. تا شامگاهان قوای انگلیس توانست تا در تحت حمایه آتش قوی توپخانه ارتفاعات مشرف به قرارگاه قوای افغانی را تصرف نماید. جنرال "رابرتس" قسمتی از قوای خود را در نیمه شب حرکت داد تا "کوتل پیوار" را به شکل نیم دایره دور بزند. پلان حمله به شکلی بود که ساعت هفت صبح حمله از عقب بالای کوتل پیوار آغاز گردید و با شدت گرفتن جنگ خود جنرال "رابرتس" با متباقی قوا از جلو حمله نمود. جنگ تن به تن میان مدافعین افغانی و قوای انگلیس در گرفت و سرانجام قوای انگلیس توانست با تحمیل تلفات شدید (و تلفات بمراتب بیشتر قوای افغانی) کوتل پیوار را تصرف نماید. جنرال "رابرتس" بعداً بطرف خوست حرکت نمود و در راه خوست قوای انگلیس با مقاومت شدید اقوام منگل و غلجی مواجه گردید. جنرال "رابرتس" که شخص متعصب و پرعقده بود (۴)، قلعه های مسیر راه را منهدم نمود و هر کسی را که به چنگ اش افتاد جای بجای تیرباران نمود. (۵)

قوای سوم تحت قوماندۀ دیگر جنرال "دونالد مارتین سٹیوارت" Gen. Donald Martin Stewart بتاریخ ۲۱ نوامبر از طریق "دره بولان" و کویته بصوب قندهار حرکت نمود. این قوا که مرکب از ۲۶۵ افسر و ۱۲۶۰۰ افراد و ۷۸ توپ بود پس از طی طریق خیلی مشقت بار از کوتل ها و دشتهای بی آب و علف که در نتیجه ۱۲۰۰۰ شتر از سبب سرما و طوفان تلف گردید، پس از برخورد مختصر با قوای افغانی در منطقه "غلو کوتل" (در پنجاه مایلی قندهار) بتاریخ ۸ جنوری ۱۸۷۹ داخل شهر قندهار شد در حالی که قوای افغانی قبلاً شهر را تخلیه نموده بود. مجموع هر سه قوای انگلیس ۷۰۰ افسر، ۳۵۰۰۰ افراد، و ۱۴۰ توپ بود.

بعضی مؤرخین افغان به این نظر هستند که امیر شیر علی خان خود به قوای سرحدی افغان امر عقب نشینی را داد (۶) تا با تجاوز انگلیس موجبات تحریک روسها فراهم و به اینترتیب مجبور به حمایت از امیر شوند. اما "داکتر بشیر احمد ذکریا" مینویسد که: "غلام حیدر خان چرخي که جهت تقویۀ قوای علی مسجد فرستاده شده بود، بدون مقاومت زیاد به کابل فرار نمود. امیر شیر علی خان با اطلاع این خبر حکم اعدام غلام حیدر خان چرخي را صادر نمود. موصوف به وساطت "سردار ذکریا خان" عفو و دوباره به جبهه جنگ فرستاده شد" (۷). گذشته از آن چنانچه قبلاً ذکر گردید، قوای تقویتی جهت کمک به قوای سرحدی افغان در "کوتل پیوار" نیز فرستاده شده بود. "میرزا یعقوب علی خانی" در کتاب "پادشاهان متأخر افغانستان" دلسردی امیر از عدم استقامت قوای افغان را دلیل رفتن امیر بسوی بلخ و تقاضای کمک از روسها میداند (۸). عبدالرحمن خان در تاج التورایخ ذکر میکند: "عساکر شیر علی خان چون مشق ندیده بود، به مقابله لشکر انگلیس نتوانستند ایستادگی نمایند" (۹). احتمال دارد که با شکست قوای افغانی در "علی مسجد" و "کوتل پیوار"، امیر شیر علی خان به حاکمان قندهار حکم نموده باشد تا در صورت پیشروی قوای انگلیس بطرف هرات و کابل عقب نشینی کنند؛ ولی از مقاومت و فداکاری مدافعین افغانی در "علی مسجد" و "کوتل پیوار" نباید چشم پوشی شود. یک نکته قابل ذکر اینکه شخص امیر شیر علی خان از نظر روانی شدیداً آسیب پذیر بود و با مواجهه با مصائب دچار حالات شدید افسردگی Depression میگردد و از بخت بد هر دوبار تاج و تخت را به سبب افسردگی شدیدی که به آن مبتلا گردیده بود از دست داد: بار اول به سبب کشته شدن کلانترین فرزند و ولیعهد احتمالی خود (سردار محمد علی خان) سلطنت را به امیر محمد افضل خان از دست داد و بار دوم به سبب مرگ جوانترین فرزند و ولیعهد خود (عبدالله جان)؛ متأسفانه حالت افسردگی تا دم مرگ گریبان امیر را رها نکرد. به هر صورت، با سقوط "علی مسجد" و "کوتل پیوار" امیر شیر علی خان بتاریخ ۱۰ دسامبر دربار را دایر و اعلان نمود: "من به بلخ و از آنجا به "سنت پیترزبرگ" میروم تا قضیه تجاوز انگلیس را در یک کانفرانس بین المللی طرح و حق افغانستان را اعاده نمایم." اصرار درباریان و نماینده های کابل بر مقابله با متجاوزین سودی نبخشید و بنا بر تقاضای مردم امیر "شیر بچه" ("بچه شیر" مراد از یعقوب خان) را بعد از هفت (یا هشت) سال از حبس رها و به حیث والی کابل تعیین نمود (۱۰). تقدیر الهی کار خود را کرد و آن فرزندی را که امیر از حق ولیعهدی محروم و به زندان افکنده بود ناچار برمسند قدرت نشاند. امیر بتاریخ ۱۳ دسامبر با عجله با حرم، اهل بیت، و عده مامورین

۴ - جنرال "فردریک رابرتس" به علت سرکوبی قیام افسران هندی قوای هند بریتانوی (۱۸۵۷) به شهرت رسید. موصوف معتقد به نظریه "برتری نژاد سفید انگلیس" بود (لارد لیتن نیز عین عقیده را داشت). همین نظریه باعث افزایش تناسب افسران انگلیسی نژاد در قوای هند بریتانوی گردید. پدر جنرال "فردریک رابرتس"، جنرال "ابراهام رابرتس Abraham Roberts" نام داشت که در جنگ اول افغان و انگلیس اشتراک نموده بود.

۵ - کشتار، تحریب، ظلم، و وحشت جنرال "رابرتس" در کتاب What The Fusiliers Did بصورت مشرح درج است

۶ - سراج التواریخ، ص ۳۴۲ و مرحومین غبار و سید قاسم رشتیا

7 - Malalai, Joan of Arc of Afghanistan; p 137

۸ - میرزا یعقوب علی خانی: پادشاهان متأخر افغانستان

۹ - تاج التواریخ، ص ۱۶۳

۱۰ - غبار: افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۶۰۷

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

و درباریان به سمت بلخ رفت و ملت را در دفاع از کشور و مقابله با متجاوزین تنها رها کرد. امیر از بلخ هیأتی را جهت تقاضای کمک از روسها به تاشکند فرستاد؛ ولی "جنرال کافمن" هر نوع کمک به امیر را رد نموده و برعکس از امیر خواست تا با انگلیسها از در مصالحه پیش برود. حالت افسردگی شدیدی برای امیر دست داد و مرض نقرض که امیر به آن مبتلا بود وخامت گرفت و بالاخره امیر به تاریخ ۲۱ فیروزی ۱۸۷۹ به سن ۵۶ (بقول میر محمد صدیق فرهنگ ۵۸) سالگی در حسرت و نومیدی چشم از جهان پوشید. با مرگ امیر شیرعلی خان، سردار محمد یعقوب خان اعلان امارت نمود و از امارت خود به انگلیسها نیز اطلاع داد.

ادامه دارد

طارق ارسلائی – ایالت ویرجینیا، امریکا